



پژوهش‌های مردم‌نگارانه
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

مرکز رصد فرهنگی کشور

گزارش رصد فرهنگی (۳۴)

رصد استانی (۱)

خوی پس از زلزله

روایت مردم نگارانه

(بممن ۱۴۰۱)

باز

گزارش رصد فرهنگی

(۳۴)

رصد استانی

(۱)



خوی پس از زلزله

روایت مردم نگارانه

بهمن ۱۴۰۱

مرکز رصد فرهنگی کشور



ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
عنوان: خوی پس از زلزله (روایت مردم نگارانه)
تهیه و تنظیم: مرکز رصد فرهنگی کشور
صفحه‌آرایی: حسین آذری
نوبت چاپ: اول - زمستان ۱۴۰۱

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴-۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ricac.ac.ir

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه
۴.....	ارزش‌ها و نگرش‌های مردم خوی، پیش از بحران زلزله
۵.....	اولویت مسائل اجتماعی
۶.....	جایگاه و نگرش اقتصادی
۱۰.....	رضایت و امید اجتماعی
۱۴.....	هویت ملی
۱۴.....	آسیب‌ها و جرائم
۱۷.....	نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی
۲۰.....	مصرف فرهنگی
۲۲.....	اعتماد و تعامل اجتماعی
۲۴.....	گزارش رصد فرهنگی پسازلزله در خوی
۲۵.....	بازنمایی و ادراک زلزله
۲۷.....	از سوگ تا تعلیق
۲۸.....	زندگی در شایعه و وحشت: خاطرات جمعی
۲۹.....	بی‌اعتمادی
۳۰.....	همبستگی: قومی و اجتماعی
۳۲.....	موکب‌ها، یادگار اربعین
۳۳.....	حاشیه‌ها، نه شهر و نه روستا
۳۴.....	هجوم خیرین و تنش در محله‌های تهیدست
۳۶.....	کمپ‌های مستعد تنش
۳۷.....	خانواده، بحران و جدافتادگی
۳۸.....	درون چادرها: زنان و فرهنگ شرم
۴۰.....	به جای دولت: امدادسانی
۴۱.....	بسیج، حاضر در صحنه
۴۱.....	امداد فرهنگی، لازم و مهم

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: مهم‌ترین مشکل کشور از نظر پاسخگو ۵
- جدول ۲: مهم‌ترین مشکل یا کمبود فعلی شهر محل سکونت ۶
- جدول ۳: توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت برخورداری خانواده ۶
- جدول ۴: پنداشت فرد نسبت به جایگاه طبقاتی اش ۷
- جدول ۵: وجود افراد خوشبخت و بدبخت بین دوستان و آشنایان پاسخگو ۸
- جدول ۶: چرایی فقیر بودن برخی از افراد جامعه ۹
- جدول ۷: اگر قرار باشد به وضع زندگی فعلی خودتان نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟ ۱۰
- جدول ۸: اگر قرار باشد به وضع زندگی ۱۰ سال آینده خود نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟ ۱۱
- جدول ۹: پاسخ به گویه «در آینده ایران به کشوری پیشرفته تبدیل خواهد شد» ۱۲
- جدول ۱۰: تمایل به زندگی در کشور دیگر ۱۲
- جدول ۱۱: گرایش به نظم اجتماعی ۱۳
- جدول ۱۲: فداکاری و عرق ملی ۱۴
- جدول ۱۳: داشتن زندانی در خانواده ۱۴
- جدول ۱۴: جرائم و مشکلات تجربه‌شده در یکی دو سال گذشته در مورد خود پاسخگو ۱۵
- جدول ۱۵: تجربه رفتار خلاف عرف و پرخطر ۱۶
- جدول ۱۶: درخواست رشوه یا پول اضافی در سازمان از پاسخگو به‌عنوان ارباب‌رجوع ۱۶
- جدول ۱۷: اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟ ۱۷
- جدول ۱۸: وضعیت دین‌داری پاسخگویان ۱۸
- جدول ۱۹: نظر درباره جدایی دین از سیاست ۱۹
- جدول ۲۰: اهمیت نظر افراد و گروه‌ها برای پاسخگو در مسائل و موضوعات مهم سیاسی (گروه‌های مرجع) ۲۰
- جدول ۲۱: منابع کسب خبر ۲۱
- جدول ۲۲: تشریف به حج ۲۱
- جدول ۲۳: سفر طی پنج سال گذشته ۲۱
- جدول ۲۴: عضویت در کتابخانه عمومی ۲۲
- جدول ۲۵: وضعیت اعتماد و عامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی) در شهر خوی ۲۲

فهرست نمودارها

- نمودار ۱: پنداشت فرد نسبت به جایگاه طبقاتی اش..... ۸
- نمودار ۲: چرایی فقیر بودن برخی از افراد جامعه ۹
- نمودار ۳: اگر قرار باشد به وضع زندگی فعلی خودتان نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟..... ۱۰
- نمودار ۴: اگر قرار باشد به وضع زندگی ۱۰ سال آینده خود نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟..... ۱۱
- نمودار ۵: پاسخ به گویه «در آینده ایران به کشوری پیشرفته تبدیل خواهد شد»..... ۲۱
- نمودار ۶: تمایل به زندگی در کشور دیگر ۱۳
- نمودار ۷: گرایش به نظم اجتماعی..... ۱۳
- نمودار ۸: اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟..... ۱۸
- نمودار ۹: وضعیت دین‌داری پاسخگویان ۱۹
- نمودار ۱۰: نظر درباره جدایی دین از سیاست..... ۲۰
- نمودار ۱۱: تمایل به مهاجرت از شهر خوی ۲۳



مقدمه

زلزله مخاطره‌ای طبیعی و امری اجتناب‌ناپذیر است، اما تنها دارای وجوه طبیعی نیست و نیازمند مدیریت صحیح است؛ زلزله جز آنکه بحرانی طبیعی و دارای راه‌حل‌های فیزیکی است، پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی نیز هست که باید مدنظر قرار گیرد. گستره این پدیده فرهنگی و اجتماعی از پیش از وقوع زلزله تا روزهای پس از آن را تشکیل می‌دهد. هرچند بخش پررنگ‌تر این فاجعه، آسیب‌های جانی، مالی، خرابی و خسارت‌های فیزیکی است، اما بُعد عمیق‌تر و مانای آن، مربوط به عرصه فرهنگ است. تغییر معنادار داده‌های فرهنگی و اجتماعی پس از زلزله‌ها، خود دلیلی روشن بر تأثیر پدیده زلزله بر زندگی و فرهنگ منطقه زلزله‌زده است. ما تجربه زلزله بم را داریم که می‌توانیم از آن درس‌ها بیاموزیم؛ با وجود گذشت دو دهه از این زلزله، هنوز هم می‌توان ردپای این بلای طبیعی را در وضعیت فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی شهر جست. چنان‌که پس از زلزله تلخ آذربایجان

نیز اهمیت و ضرورت سیاست‌گذاری فرهنگی و ارتباطاتی زلزله‌بیش از پیش عیان شد و زلزله کرمانشاه نیز حکمرانان را با مسئله‌ای به نام خیریه‌ها و نقش دوگانه تکمیلی و مخربشان در فرآیند امدادسانی مواجه کرد. درنهایت و با گسترش روزافزون شبکه‌های مجازی، ضرورت سیاست‌گذاری ارتباطاتی فاجعه در کانون توجهات قرار گرفت. حال و بعد از فاجعه تمام‌عیار زلزله در ترکیه و سوریه، بار دیگر توجه جهانی به زلزله به‌مثابه تکانه‌ای بزرگ در همه‌شئون و عرصه‌های زیستار انسانی آشکار شده است. در هفته‌های گذشته در شمال غرب ایران و منطقه آذربایجان نیز شاهد زلزله‌ای خسارت‌آفرین در شهرستان خوی بودیم که در نگاه اول، خسارت‌های گسترده مالی و فیزیکی برجای نهاده است، حال آنکه ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن با گذشت چند هفته از آن چند ثانیه زلزله، کمتر قابل کتمان است.

آنچه در پی می‌آید، ابتدا گزارشی از ارزش‌ها و نگرش‌های مردم خوی مبتنی بر نتایج «پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» است که در سال ۱۳۹۶ انتشار یافته است. این گزارش از این‌رو واجد اهمیت است که آشنایی با وضعیت پیشابحران در خوی رخ دهد و برای فهم تأثیرات زلزله در خوی تکرار این پیمایش پس از گذار از مراحل ابتدایی بحران و تثبیت نسبی شرایط محیطی، ضروری است. به‌علاوه در ادامه رصد فرهنگی وضعیت پس‌اززلزله با استفاده از روش مردم‌نگاری سریع آمده است که حاصل مشاهدات میدانی پژوهشگران مرکز رصد فرهنگی کشور و مردم‌نگاران و اساتید همکار مرکز در مناطق زلزله‌زده خوی است. در این گزارش رصدی تلاش شده تا تصویری واقعی، سریع و علمی از شرایط، مسائل و وضعیت مناطق زلزله‌زده خوی از دریچه فرهنگ و ارتباطات ارائه شود و از این رهگذر بتوان به دورنمایی از راهبردها و سیاست‌های قابل‌اتخاذ در مواجهه با ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران زلزله رسید و پیوندگاهی میان مشاهدات

مردم‌نگارانهٔ پسابحران و نهادهای سیاست‌گذار و حکمران حوزهٔ فرهنگ ایجاد نمود و حلقهٔ مفقودهٔ مشاهدات علمی سریع از وضعیت‌های بحران را در چرخهٔ سیاستی کشور بازیافت. امید که کارگر افتد.

مرکز رصد فرهنگی کشور

ارزش‌ها و نگرش‌های مردم خوی، پیش از بحران زلزله

شهرستان خوی پس از اورمیه دومین شهرستان پرجمعیت استان آذربایجان غربی است. جمعیت شهرستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۴۸/۶۶۴ نفر بوده که از این تعداد ۱۹۸/۸۴۵ نفر ساکن شهر خوی هستند.

در گزارش حاضر، برای توصیف ارزش‌ها و نگرش‌های عمومی در شهر خوی، از نتایج «پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران» که فاز اول آن در بهمن و اسفند ۱۳۹۴ و فاز دوم در فروردین ۱۳۹۵ اجرا شده استفاده می‌شود.



تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی و مرزی شهرستان خوی

اولویت مسائل اجتماعی

ابتدا باید ببینیم از نظر مردم خوی، مهم‌ترین مشکل و مسئله کشور چه بود. همانند میانگین نظرات کشوری، مردم شهر خوی نیز معتقدند که مشکلات اقتصادی و معیشتی در صدر مشکلات کشور است (جدول ۱)

جدول ۱: مهم‌ترین مشکل کشور از نظر پاسخگو

درصد معتبر		پاسخ
میانگین کشور	خوی	
۳۶٫۱	۲۶٫۶	مشکلات اقتصادی
۳۲	۳۶٫۹	بیکاری
۸٫۳	۶٫۵	عملکرد دولتی - اداری
۳٫۹	۷٫۲	تبعیض و نابرابری
۳٫۱	۱٫۱	فقر و نبود امکانات رفاهی
۲	۱٫۵	ناامنی و وجود جرم و جنایت
۲٫۱	۴٫۲	فرهنگی
۳٫۴	۴٫۲	روابط خارجی
۹٫۱	۳	سایر

در مورد مشکلات و مسائل خود شهر خوی نیز همچنان مسائلی چون بیکاری و مشکلات رفاهی و شهری در صدر دغدغه‌های شهروندان است (جدول ۲)

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۲: مهم‌ترین مشکل یا کمبود فعلی شهر محل سکونت

پاسخ	درصد معتبر
بیکاری	۲۸/۵
نبود امکانات رفاهی	۲۱/۹
مشکلات شهری	۱۷/۷
مسائل بهداشتی و درمانی	۶/۹
مسائل فرهنگی	۵
عملکرد ادارات	۴/۶
مسائل آموزشی و علمی	۴/۲
ناامنی و جرم	۲/۳
سایر	...

جایگاه و نگرش اقتصادی

یکی از نتایج مهم این پیمایش، بالاتر بودن برخورداری خانواده‌ها در خوی از میانگین کشوری در دسته‌ای از اقلام و کالاها است (جدول ۳).

جدول ۳: توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت برخورداری خانواده

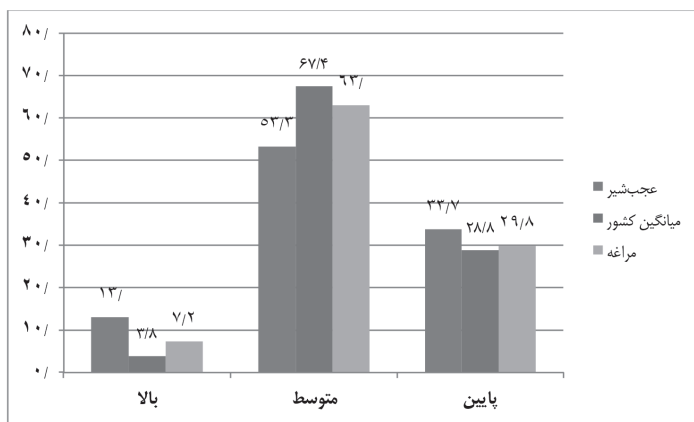
درصد معتبر		داشته‌ها
میانگین کشور	خوی	
۹۸/۴	۹۸/۹	تلویزیون
۶۵/۷	۵۴/۸	رادیو
۷۸/۶	۵۸	گیرنده دیجیتال
۶۴	۷۴	کامپیوتر یا لب تاپ
۷۶/۵	۸۱	موبایل هوشمند یا تبلت
۴۵/۶	۴۵/۲	ماهواره
۶۱/۳	۶۶/۷	اینترنت
۴۵/۵	۵۱/۹	وای فای

درصد معتبر		داشته‌ها
میانگین کشور	خوی	
۶۲/۷	۶۶/۵	خودرو
۸/۲	۹/۵	خودرو اضافی (دوم)
۲۳/۸	۲۱/۸	کتابخانه
۶۲/۲	۸۶/۷	مبل
۴۴/۲	۶۳/۱	سرویس اتاق خواب
۳۰/۷	۳۷/۶	سرویس نهارخوری مبله
۸۴	۸۶/۷	ماشین لباسشویی
۱۹/۶	۲۷/۷	ماشین ظرف‌شویی
۳۸/۲	۵۶/۱	آشپزخانه مبله و اوپن
۲۹/۵	۶۳/۳	ماکروفر یا ماکرو ویو
۲۱	۴۰/۵	تابلو فرش و نقاشی
۳/۹	۴/۵	پیانو
۱۰/۸	۱۴/۴	وسایل ورزشی (تردمیل...)
۲۷/۱	۴۷/۵	لوستر

پنداشت اکثریت افراد از وضعیت طبقاتی نیز به‌مانند میانگین کشوری، در طبقه متوسط جای می‌گیرد و جالب اینکه از میانگین کشوری نیز بالاتر است. حدود ۲ برابر افراد بیش از میانگین کشوری اعلام کرده‌اند که در طبقه بالا جا می‌گیرند (جدول ۴ و نمودار ۱).

جدول ۴: پنداشت فرد نسبت به جایگاه طبقاتی‌اش

درصد معتبر		طبقه
میانگین کشور	خوی	
۳/۸	۶/۸	بالا
۶۷/۴	۷۰/۱	متوسط
۲۸,۸	۲۳/۱	پایین



نمودار ۱: پنداشت فرد نسبت به جایگاه طبقاتی اش

در جدول ۵ مشاهده می‌شود که ۵۵/۳ درصد از افراد کسانی را می‌شناخته‌اند که از هر حیث خوشبخت بوده‌اند. پرسیده شده است که در صورت شناختن افراد خوشبخت از دوستان و آشنایان، به نظر شما مهم‌ترین دلیل آن چیست؟ در پاسخ به این سؤال، ۳۷/۱ درصد از پاسخگویان، «داشتن پول و ثروت» را عامل خوشبختی دانسته‌اند و درصد عوامل و دلایل دیگر پایین و پراکنده بوده است.

جدول ۵: وجود افراد خوشبخت و بدبخت بین دوستان و آشنایان پاسخگو

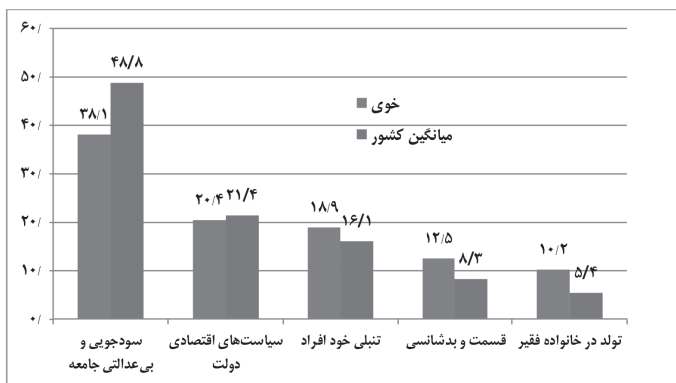
سؤال	خوی		میانگین کشور	
	بله	خیر	بله	خیر
۱ آیا بین دوستان و آشنایان کسی را می‌شناسید که از هر حیث خوشبخت باشد؟	۵۵/۳	۴۴/۷	۵۰/۹	۴۸
۲ آیا بین دوستان و آشنایان کسی را می‌شناسید که از هر حیث بدبخت باشد؟	۴۴/۶	۵۵/۴	۴۹/۱	۵۲

همچنین اکثریت پاسخگویان یعنی ۵۱/۷ درصد پاسخگویان، «نداشتن پول و ثروت» را عامل بدبختی افراد دانسته‌اند. این نتایج با مهم‌ترین

دغدغه‌ها و نگرانی‌های افراد که بیشتر معیشتی و نگرانی نسبت به آینده فرزندان بوده است مطابقت دارد. در میان دغدغه‌های افراد، بیکاری (۲۸/۹ درصد)، مشکلات معیشتی (۱۶/۷ درصد) و آینده فرزندان و خانواده (۲۳ درصد)، مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های افراد بوده است. البته افراد می‌توانند خود را از طبقه متوسط بدانند اما همچنان نگران بیکاری و مسائل معیشتی باشند. در جدول ۶، عموم پاسخگویان، سیاست‌های اقتصادی و بی‌عدالتی در جامعه را عامل فقر دانسته‌اند.

جدول ۶: چرایی فقیر بودن برخی از افراد جامعه

علل	درصد معتبر	
	خوی	میانگین کشور
سودجویی و بی‌عدالتی جامعه	۳۸/۱	۴۸/۸
سیاست‌های اقتصادی دولت	۲۰/۴	۲۱/۴
تنبلی خود افراد	۱۸/۹	۱۶/۱
قسمت و بدشانسی	۱۲/۵	۸/۳
تولد در خانواده فقیر	۱۰/۲	۵/۴



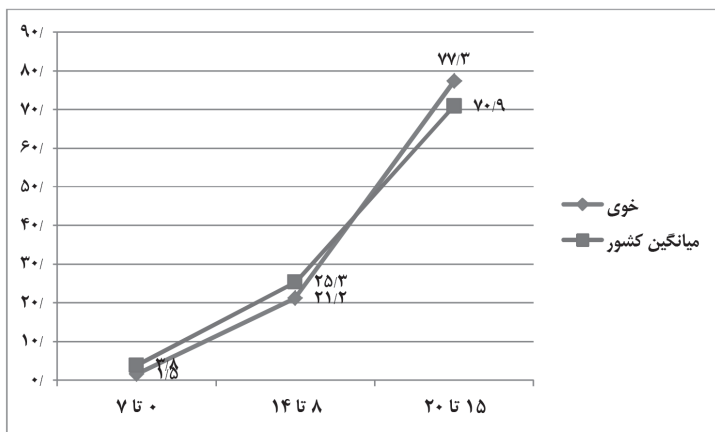
نمودار ۲: چرایی فقیر بودن برخی از افراد جامعه

رضایت و امید اجتماعی

در جدول ۷ و همان‌طور که نمودار ۳ نیز ترسیم می‌کند، مردم خوی به نسبت میانگین کشوری، نمره بالاتری به وضعیت زندگی خود (پیش از بحران زلزله) می‌دهند.

جدول ۷: اگر قرار باشد به وضع زندگی فعلی خودتان نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟

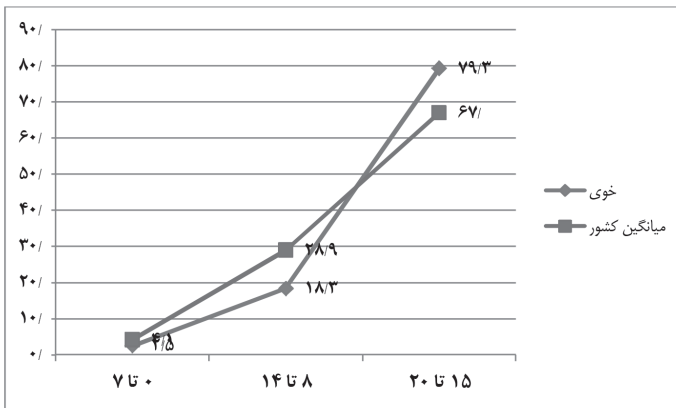
درصد معتبر		نمره
میانگین کشور	خوی	
۳/۸	۱/۵	۷ تا ۰
۲۵/۳	۲۱/۲	۱۴ تا ۸
۷۰/۹	۷۷/۳	۲۰ تا ۱۵



نمودار ۳: اگر قرار باشد به وضع زندگی فعلی خودتان نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟ مردم خوی همچنین نمره بالاتری از میانگین کشوری نسبت به وضعیت ۱۰ سال آینده خود می‌دهند (جدول ۸ و نمودار ۴). بنابراین امید اجتماعی در بین مردم بالا بوده است. بر همین منوال، مردم

خوی نسبت به آینده ایران نگرش خوش بینانه تری از میانگین نظرات کشوری داشتند (جدول ۹ و نمودار ۵). در عین حال تمایلشان به زندگی در خارج از کشور، اندکی از میانگین کشوری بالاتر بود (جدول ۱۰ و نمودار ۶). همچنین جدول ۱۱ و نمودار ۷ نشان می‌دهد که مردم خوی بیش از میانگین کشوری، نگرشی اصلاحی و بهبود خواه به وضعیت کشور داشتند تا اینکه بخواهند وضعیت به طور اساسی دگرگون شود. بنابراین گرایش به نظم اجتماعی پاسخگویان در خوی بالا بوده است. جدول ۸: اگر قرار باشد به وضع زندگی ۱۰ سال آینده خود نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟

درصد معتبر		نمره
میانگین کشور	خوی	
۴/۱	۲/۵	۷ تا ۰
۲۸/۹	۱۸/۳	۱۴ تا ۸
۶۷	۷۹/۳	۲۰ تا ۱۵

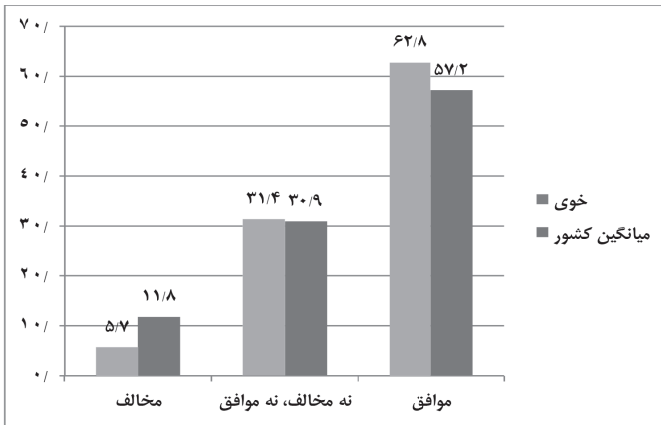


نمودار ۴: اگر قرار باشد به وضع زندگی ۱۰ سال آینده خود نمره از ۱ تا ۲۰ بدهید چه نمره‌ای می‌دهید؟

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۹: پاسخ به گویه «در آینده ایران به کشوری پیشرفته تبدیل خواهد شد»

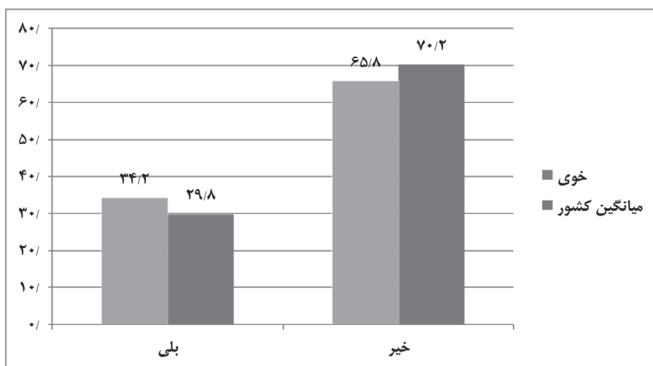
درصد معتبر		نگرش
میانگین کشور	خوی	
۱۱/۸	۵/۷	مخالف
۳۰/۹	۳۱/۴	نه مخالف، نه موافق
۵۷/۲	۶۲/۸	موافق



نمودار ۵: پاسخ به گویه «در آینده ایران به کشوری پیشرفته تبدیل خواهد شد»

جدول ۱۰: تمایل به زندگی در کشور دیگر

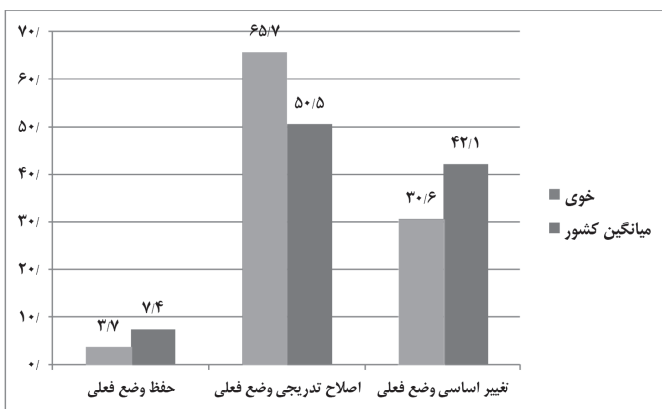
درصد معتبر		پاسخ
میانگین کشور	خوی	
۲۹/۸	۳۴/۲	بلی
۷۰/۲	۶۵/۸	خیر



نمودار ۶: تمایل به زندگی در کشور دیگر

جدول ۱۱: گرایش به نظم اجتماعی

درصد معتبر		نگرش
میانگین کشور	خوی	
۷/۴	۳/۷	حفظ وضع فعلی
۵۰/۵	۶۵/۷	اصلاح تدریجی وضع فعلی
۴۲/۱	۳۰/۶	تغییر اساسی وضع فعلی



نمودار ۷: گرایش به نظم اجتماعی

هویت ملی

همان‌طور که داده‌های جدول ۱۲ نشان می‌دهد، فداکاری و عرق ملی در بین پاسخگویان بالا بوده است.

جدول ۱۲: فداکاری و عرق ملی

زیاد	متوسط	کم	تا چه حد با جملات زیر موافقت می‌کنید؟	
۷۲/۸	۲۰/۸	۶/۴	در مقابل تجاوز به کشورم هر کاری از دستم بر بیاید می‌کنم.	۱
۵۶/۳	۲۶/۶	۱۷/۱	حاضریم که داوطلبانه برای پیشرفت و آبادانی کشور فعالیت کنیم.	۲
۸۴/۹	۱۱/۳	۳/۸	به ایرانی بودن خودم افتخار می‌کنم.	۳

آسیب‌ها و جرائم

جدول ۱۳ تا ۱۶، وضعیت آسیب‌ها و جرائم را در بین پاسخگویان خوی و مقایسه آن با میانگین کشور نشان می‌دهد. در میان همه آیت‌های جداول، آیت‌هایی که از میانگین کشوری به‌طور محسوسی بالاتر بوده‌اند: وضعیت افسردگی، کم‌حوصلگی و مشکلات روانی، داشتن فشار و استرس، دیدن فیلم‌های پورن و درخواست رشوه در مراکز آموزشی و مدارس؛ در بقیه موارد، آمار خوی با میانگین کشوری تقریباً برابر است.

جدول ۱۳: داشتن زندانی در خانواده

درصد معتبر		پاسخ
میانگین کشور	خوی	
۸	۱۰	بلی

جدول ۱۴: جرائم و مشکلات تجربه شده در یکی دو سال گذشته در مورد خود پاسخگو

درصد معتبر		موارد
میانگین کشور	خوی	
۱۷/۵	۱۶/۳	مورد سرقت واقع شدن
۶/۲	۸	محکومیت در دادگاه یا دادسرا
۳۳/۷	۴۷/۱	افسردگی، کم حوصلگی و مشکلات روانی
۴/۸	۳/۸	طلاق
۶/۲	۳	استفاده تفننی از مواد مخدر
۱۴/۵	۲۴	درگیری و نزاع با دیگران
۱۳/۵	۲۳/۱	استفاده از پارتی برای انجام کاری
۱۰/۸	۱۹/۴	مورد کلاهبرداری واقع شدن
۲/۲	۵	مورد آزار جنسی واقع شدن
۳/۵	۲/۷	فرار از منزل
۵۰/۵	۷۷/۶	داشتن فشار و استرس
۱۷/۵	۱۳/۲	ترك تحصیل
۵	۵/۷	تجربه تصادف منجر به فوت یا نقص عضو
۴/۸	۹/۹	مورد زورگیری واقع شدن
۱۶/۵	۱۶/۳	گرفتاری مالی ناشی از بد بیاری یا ورشکستگی
۵/۳	۲/۶	خودکشی و یا صحبت و تصمیم به آن

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۱۵: تجربه رفتار خلاف عرف و پرخطر

درصد معتبر		موارد
میانگین کشور	خوی	
۱۹/۲	۱۷/۸	استعمال سیگار
۲۱	۱۷/۱	مصرف قلیان
۸	۳/۴	استفاده از مشروبات الکلی
۴/۶	۱/۱	استعمال مواد مخدر
۷/۳	۱۴/۴	رابطه با جنس مخالف
۲/۶	۲/۷	سابقه دستگیری و یا تذکر
۱۰/۲	۱۷/۴	دیدن فیلم‌های پورن و سکسی
۳/۸	۶/۱	رفتن به پارتی

جدول ۱۶: درخواست رشوه یا پول اضافی در سازمان از پاسخگو به‌عنوان ارباب‌رجوع

درصد معتبر		موارد
میانگین کشور	خوی	
۷/۶	۷/۹	مراکز درمانی و بیمارستان‌ها
۱۱/۳	۱۰/۶	شهرداری
۹/۴	۸/۳	پلیس راهنمایی و رانندگی
۸/۹	۶/۷	دادسرا و دادگاه
۱۰/۴	۶/۶	پزشک و مطب خصوصی
۷/۶	۱۱/۶	اداره دارایی و مالیات
۳/۸	۶/۸	بانک‌ها
۵/۱	۲/۲	اداره ثبت
۷/۸	۱۴/۷	مراکز آموزشی؛ مدارس...
۴/۳	۲/۷	شرکت‌های بیمه
۵/۷	-	ادارات خدمات عمومی (برق، گاز، تلفن، آب و فاضلاب)
۱۰/۲	۹/۵	نیروی انتظامی (کلانتری)

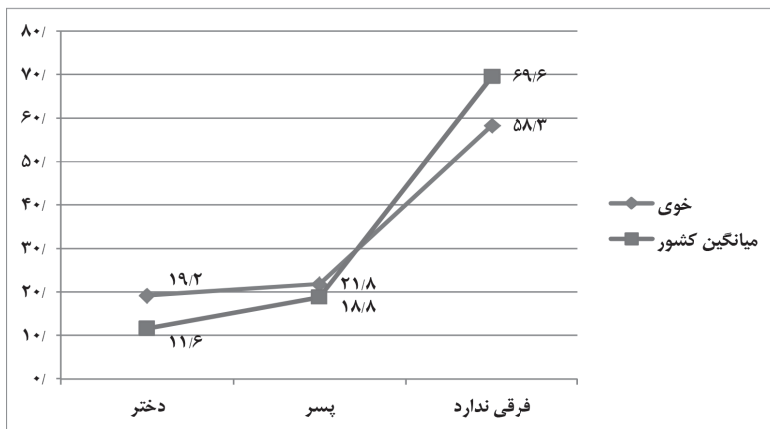
نگرش‌های اجتماعی - فرهنگی

بهترین سن ازدواج از نظر ۸/۷ درصد پاسخگویان، بین سن ۲۵ تا ۳۰ سال بوده است. همچنین ۷۵/۷ درصد از پاسخگویان، تعداد مناسب فرزند را بین ۲ تا ۳ فرزند می‌دانند. همچنین ۷۹/۱ درصد از افراد، سن مناسب برای ازدواج دختران را بین ۲۰ تا ۲۵ سال ذکر کرده‌اند. آرمان تحصیلی والدین برای فرزندان از نظر ۷۴/۳ درصد از پاسخگویان، فوق‌لیسانس و دکتری است و مایل‌اند که فرزندان در دانشگاه‌های بزرگ کشور تحصیل کنند. از سوی دیگر، ۲۵ درصد از افراد مخالف بوده‌اند که وجود امکان پیشرفت برابر برای زنان و مردان در جامعه باشد. جالب آنکه ۵۶/۵ درصد نیز معتقدند که زنان نیز باید مانند مردان در تأمین مخارج خانواده کمک کنند. جدول ۱۷ و نمودار ۸ نیز نشان می‌دهند که برای اکثریت افراد، تفاوت جنسی فرزند اهمیتی ندارد.

جدول ۱۷: اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟

درصد معتبر		پاسخ
میانگین کشور	خوی	
۱۱/۶	۱۹/۲	دختر
۱۸/۸	۲۱/۸	پسر
۶۹/۶	۵۸/۳	فرقی ندارد

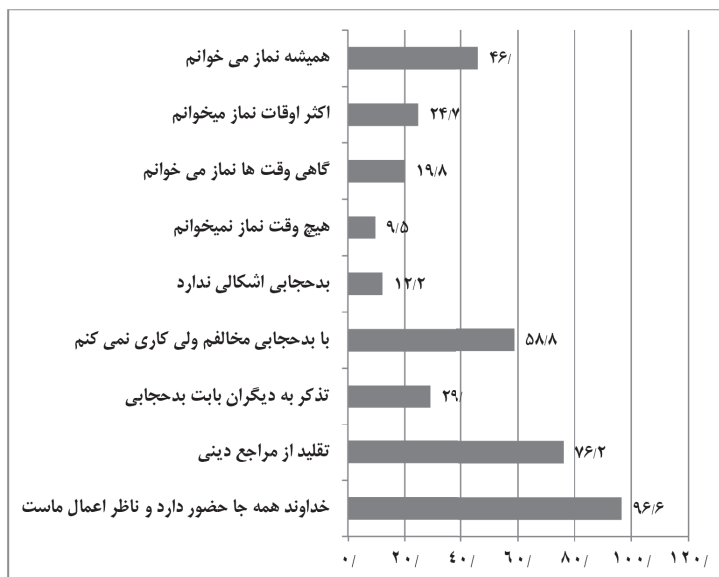
گزارش رصد فرهنگی



نمودار ۸: اگر قرار باشد فقط یک بچه داشته باشید، دوست دارید پسر باشد یا دختر؟
جدول ۱۸ و نمودار ۹ نیز نشان از نگرش دینی و تقید دینی اکثریت پاسخگویان است.

جدول ۱۸: وضعیت دین‌داری پاسخگویان

درصد معتبر	نگرش و تقید دینی	ردیف
۹۶/۶	خداوند همه‌جا حضور دارد و ناظر اعمال ماست	۱
۷۶/۲	تقلید از مراجع دینی	۲
۲۹	تذکر به دیگران بابت بدحجابی	۳
۵۸/۸	با بدحجابی مخالفم ولی کاری نمی‌کنم	۴
۱۲/۲	بدحجابی اشکالی ندارد	۵
۹/۵	هیچ وقت نماز نمی‌خوانم	۶
۱۹/۸	گاهی وقت‌ها نماز می‌خوانم	۷
۲۴/۷	اکثر اوقات نماز می‌خوانم	۸
۴۶	همیشه نماز می‌خوانم	۹



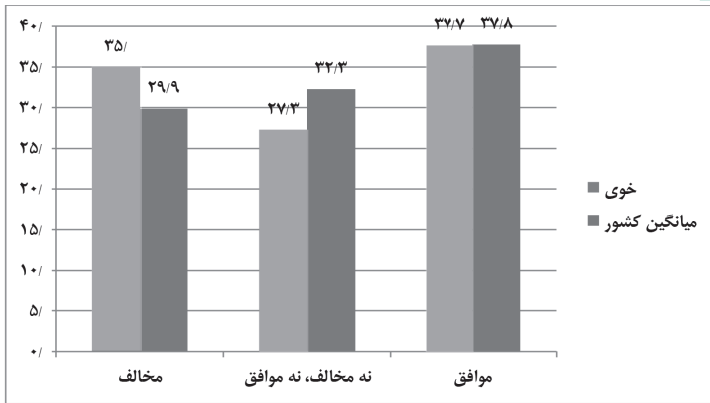
نمودار ۹: وضعیت دین‌داری پاسخگویان

البته در مورد جدایی دین از سیاست، ۳۷/۸ درصد اعلام موافقت کرده‌اند (جدول ۱۹ و نمودار ۱۰) با وجود این در سال ۱۳۹۴ هنوز هم علما و روحانیت گروه مرجع مهمی در ذهنیت پاسخگویان است (جدول ۲۰)

جدول ۱۹: نظر درباره جدایی دین از سیاست

درصد معتبر		نگرش
میانگین کشور	خوی	
۲۹/۹	۳۵	مخالف
۳۲/۳	۲۷/۳	نه مخالف، نه موافق
۳۷/۸	۳۷/۷	موافق

گزارش رصد فرهنگی



نمودار ۱۰: نظر درباره جدایی دین از سیاست

جدول ۲۰: اهمیت نظر افراد و گروه‌ها برای پاسخگو در مسائل و موضوعات مهم سیاسی (گروه‌های مرجع)

موارد	کم	متوسط	زیاد
۱. علما و روحانیون	۲۷/۴	۲۵/۵	۴۷/۱
۲. اساتید دانشگاه	۱۶/۷	۳۳/۸	۴۹/۴
۳. معلمان	۲۶	۴۲/۴	۳۱/۷
۲. مسئولین	۳۵/۴	۳۸	۲۶/۶
۳. روزنامه‌نگاران	۴۲/۷	۳۱/۳	۲۶
۴. بزرگان و ریش‌سفیدها	۲۰/۲	۲۸/۱	۵۱/۷
۵. هنرمندان	۴۷/۹	۱۹/۸	۱۲/۲
۶. ورزشکاران	۷۱/۹	۱۵/۶	۱۲/۵

مصرف فرهنگی

جدول ۲۱ تا ۲۴ نیز مصرف فرهنگی و اوقات فراغت پاسخگویان خوی در مقایسه با میانگین کشوری را نشان می‌دهند.

جدول ۲۱: منابع کسب خیر

درصد معتبر		منابع
میانگین کشور	خوی	
۲/۷	۴/۲	روزنامه‌ها
۵۴/۱	۵۵/۷	رادیو و تلویزیون
۲۲/۵	۲۴/۶	اینترنت و ماهواره
۷/۳	۸	دوستان و خانواده
۱۳/۵	۷/۶	ترکیبی از موارد بالا

جدول ۲۲: تشریف به حج

درصد معتبر		سفر
میانگین کشور	خوی	
۸/۲	۸/۸	حج عمره
۲/۴	۱/۹	حج واجب
۲/۲	۲/۳	هر دو
۸۷/۲	۸۷	هیچ کدام

جدول ۲۳: سفر طی پنج سال گذشته

درصد معتبر		سفر
میانگین کشور	خوی	
۳۵/۷	۳۶/۵	هیچ
۴۳/۳	۴۲/۶	مشهد و دیگر شهرهای مذهبی
۲/۶	۶/۸	حج
۶/۲	۸/۴	کربلا، نجف، سوریه
۱۲/۳	۵/۷	بیش از یک مورد

گزارش رصد فرهنگی

جدول ۲۴: عضویت در کتابخانه عمومی

درصد معتبر		پاسخ
میانگین کشور	خوی	
۱۵/۴	۲۱/۸	بله
۷۷/۵	۷۸/۲	خیر

اعتماد و تعامل اجتماعی

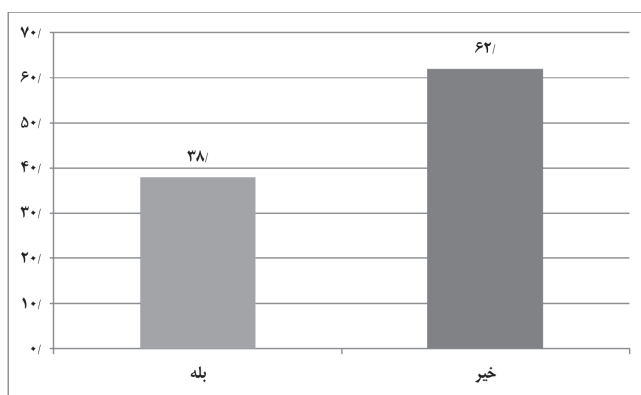
جدول ۲۵ نشان می‌دهد که اعتماد و تعامل به خانواده بالاست. با فامیل متوسط است و با آشنایان و همسایگان پایین است. اعتماد و تعامل با افراد همشهری و غیر همشهری بسیار پایین است. با وجود اینکه، افراد پاسخ داده‌اند که به افراد غریبه کمک می‌کنند و ظاهراً این کمک نیازی به اعتماد بالا ندارد. وضعیت مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها نیز تقریباً پایین است اما نسبت به میانگین کشوری، ارقام بالاتری را نشان می‌دهد.

جدول ۲۵: وضعیت اعتماد و عامل اجتماعی (سرمایه اجتماعی) در شهر خوی

درصد معتبر	اعتماد و تعامل اجتماعی	
۸۸/۲	اعتماد بالا به خانواده	۱
۴۱	اعتماد بالا به فامیل	۲
۲۲	اعتماد بالا به همسایگان و آشنایان	۳
۳/۹	اعتماد بالا به همشهریان	۴
۳۹/۸	کمک و یاری به همسایگان و آشنایان	۵
۲۰/۱	کمک و یاری به همشهریان (غریبه‌ها)	۶
۴۴	انجام فعالیت عام‌المنفعه	۷
۲۱/۷	امکان مشارکت در حل مشکلات شهر	۸

درصد معتبر	اعتماد و تعامل اجتماعی	
۲۸	عضویت انجمنی (خیریه)	۹
۱۳/۳	عضویت انجمنی (هنری و ادبی)	۱۰
۲۷/۷	عضویت انجمنی (باشگاه)	۱۱
۲/۳	عضویت انجمنی (حزب و گروه سیاسی)	۱۲
۱۲/۹	مشارکت در گروه‌های محله‌ای	۱۳
۲۶/۳	صندوق‌های قرض الحسنه	۱۴
۳۸/۸	کمک به خیریه در ماه گذشته	۱۵
۴۱	کمک مالی به فرد غیر آشنا در ماه گذشته	۱۶

و درنهایت، نمودار ۱۱ نشان می‌دهد که تمایل به مهاجرت از شهر بسیار کمتر از تمایل به ماندن است. البته کسانی هم که گفته‌اند مایل به مهاجرت‌اند عموماً شهرهای تاریخی (مانند اصفهان و شیراز) و تفریحی مانند استان گیلان را مثال زده‌اند.



نمودار ۱۱: تمایل به مهاجرت از شهر خوی

گزارش رصد فرهنگی پسازلزله در خوی

زلزله‌ی ۵/۹ ریشتری شنبه ۸ بهمن ۱۴۰۱ ساعت ۲۱:۴۴ شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی با جمعیت تقریبی ۳۵۰/۰۰۰ نفر را لرزاند. با وجود اینکه صدمات جانی این زلزله بیش از دو نفر نبود، اما خانه‌های مردمان شهرهای خوی و پره (فیرورق) و روستاهای اطراف تحت تأثیر مستقیم این زلزله دچار آسیب‌های جدی شدند. شمار قابل توجهی از مردم به‌ویژه در شهرها اقدام به ترک خانه‌ها کردند و آن‌هایی که قادر به رفتن به جای دیگری نبودند مجبور به چادرنشینی انفرادی یا در کمپ‌ها در هوای سرد شدند.



این گزارش فرهنگی با تکیه بر پنج روز حضور و پژوهش میدانی در مناطق روستایی و شهری مناطق زلزله‌زده در خوی به ترتیب در روزهای چهارم، ششم، دوازدهم، سیزدهم، و چهاردهم پس از زلزله (تاریخ‌های ۱۲، ۱۴، ۲۰، ۲۱، و ۲۲ بهمن) و همچنین گردآوری مشاهدات و تجربیات افراد حاضر در فرآیندهای امدادی و مردمی نوشته شده است. گردآوری داده‌ها با استفاده از مشاهدات مستقیم از زندگی روزانه‌ی پس از زلزله، مشارکت در فعالیت‌های ستادهای مردمی، گفت‌وگو با گروه‌های مختلف زلزله‌زده، و دیدار با برخی از فعالان

محلی انجام گرفته است. در این گزارش، بیشتر رویکردی تحلیلی با تمرکز بر جنبه‌های فرهنگی این رخداد اتخاذ شده است. لازم به ذکر است این گزارش از وضعیت فرهنگی زلزله‌ی خوی بر پایه‌ی روش «مردم‌نگاری سریع» تهیه‌شده است.

بازنمایی و ادراک زلزله

مردمان ایران در دهه‌های اخیر چندین بار فجایع طبیعی و به‌طور خاص زلزله را تجربه کرده‌اند. از این میان، زلزله‌های بم (دی ۱۳۸۲)، ورزقان (مرداد ۱۳۹۱)، و سرپل ذهاب (آذر ۱۳۹۷) زلزله‌هایی بودند که هزاران و صدها تلفات جانی بر جای گذاشتند و تراژدی عظیم برخاسته از آن احساسات جمعی گسترده‌ای را برانگیخت. در مقابل، زلزله‌ی خوی تلفات جانی بسیار اندکی داشت و همین باعث شد تا عمق اثرات واقعی زلزله به‌خوبی درک نشود. جز تعداد معدودی از خانه‌ها، ریزش کامل رخ نداده بود. آن چیزی که در انتقال وضعیت واقعی قدرت تخریبی زلزله دیده نشده، نه بیرون بلکه داخل خانه‌هاست. اینکه تعداد خانه‌هایی که به‌طور کامل ریزش کرده‌اند بسیار کم است هم مسئولین و هم مردم عادی را به این فکر می‌اندازد که تخریب آن‌چنان هم زیاد نبوده است. اما وقتی به داخل همین خانه‌هایی که در ظاهر ستون‌ها و دیوارهایشان سر جایشان هستند بروید، می‌بینید که شکاف‌هایی کمر دیوارها و سقف‌ها و سنگ‌ها را دریده است؛ دیوارها از محل اتصال به سقف‌ها جدا شده‌اند، دیوارهایی هستند که خم شده‌اند ولی هنوز نیفتاده‌اند، و دیوارهایی آن‌قدر سست شده‌اند که با فشار یکدست فرومی‌ریزند؛ هر کس تیرکی چوبی داشته حائل کرده که نیفتد، «آقای مهندس فقط زود عکس بگیر بریم ممکنه بریزه.» بسیاری از روستاییان چادرها را وسط حیات‌ها برافراشته‌اند.

زلزله ۵/۹ ریشتری نه خیلی سهمگین بوده که سیمایی از ویرانی بر جای

گذارد و نه خیلی ضعیف بوده که آسیب جدی نزند. ترک‌های عمیقی به دیوارها و سقف‌های خانه‌ها انداخته و صحنه‌ای که به جای گذاشته فریبده است. یک پس‌لرزه شدید کافی است تا این ترک‌ها خانه‌ها را فروبریزند. «بنیاد مسکن آمد و لیست برداشت، می‌گوید اینجا تعمیری است. تو رو خدا ببین تو می‌تونی جرئت کنی و یک ساعت اینجا بنشین، چه رسد به اینکه شب زیرش بخوابی؟» مردم از روز اول زلزله تا به امروز (۲۸ بهمن) بارها پس‌لرزه‌ها را که گاه به ۳/۵ و ۴ ریشتر هم می‌رسید تجربه کرده‌اند. این پس‌لرزه‌ها می‌توانند ترک‌ها را عمیق‌تر کنند.

به این ترتیب، فرم پابرجای خانه‌ها باعث شد تا حساسیت لازم ملی و به موقع به وجود نیاید. چیزی که نیاز بود، ارائه و انتقال دید از درون بود نه دید از بیرون. بخش زیادی از عصبانیت مردم ناشی از قضاوت نادرست و فریبده‌ای بود که از ظاهر ساختمان‌هایشان نشئت می‌گرفت. رسانه‌ها مهم‌ترین تأثیر را در این میان داشتند. چه شبکه‌های اجتماعی مثل اینستاگرام و توییتر و چه صداوسیما بازنمایی درستی از حقیقت درون خانه‌ها به وجود نیاوردند. همچنین هم‌زمان شدن زلزله‌ی مهیب ترکیه و سوریه نیز توجهات رسانه‌ای را از خوی منحرف ساخت، چیزی که باید آن را به پای یک تصادف نوشت.



از سوگ تا تعلیق

زلزله خوی نه آن قدر قدرتمند بود که همه مردم را زیر تلی از خاک مدفون کند و نه آن قدر ضعیف که تنها خاطره‌ای از تکان خوردن برجای گذارد؛ زلزله خوی تلفات جانی زیادی نداشت، مردم زلزله‌زده عمدتاً مرحله سوگ پس از حادثه را تجربه نکردند. سوگ پس از حادثه امکانی تسکینی است و عاملی تأخیری در بروز و عیان شدن مسائل جدی‌تر فرهنگی و اجتماعی پسا‌زلزله. خوی حالا خیلی سریع‌تر از شهرهای زلزله‌زده دیگر ایران با چنین مسائلی روبرو شده است. مردم خوی حالتی از تعلیق را حس می‌کنند، خانه‌خراب شدند ولی قاب تصاویر خرابی خانه‌ها را نشان نمی‌دهد. بسیاری از مناطق مسکونی عملاً غیرقابل سکونت و تجدید بنا هستند، اما ظاهر بیرونی خانه‌ها چندان نشانه‌ای از این حجم از خرابی ندارند. فقط هر بار با یک پس‌لرزه است که همان چند ستون و دیوار پابرجا نیز فرومی‌ریزد، یا نیمه‌شب که با برخاستن باد و کولاک، صدای فروریختن بلوک‌ها و آجرها شنیده می‌شود. ارجاع به خاطره برجای‌مانده در حافظه شهر از حجم خرابی‌های گسترده زلزله قرن گذشته که به تعبیر مردم محلی زمین دهن باز کرده بود، و همین‌طور خاطره جمعی تلخ برجای‌مانده از کشتار و کوچ اجباری اهالی خوی پس از جنایات ارامنه در سال‌های پایانی قرن ۱۳، نشان از تبار وحشت و اضطراب در این منطقه دارد. آنچه در حافظه فرهنگی خوی از فاجعه انباشته شده است، خود را در قالب انگاره‌های وحشت‌زا فراخوان می‌کند. حجم و گستره شایعه در مناطق زلزله‌زده قابل اعتناست. هرروز می‌توان چرخیدن شایعه‌ای تازه را ردگیری کرد؛ مکانیسم تسری شایعه این بار نه از فضای مجازی به فضای حقیقی، که همان چرخه سنتی و قدیمی شایعه است، سینه‌به‌سینه و دهان‌به‌دهان. گوش‌ها هم برای شنیدن شایعات تیز است و تقریباً هیچ سیاست ارتباطی برای این موقعیت بحران‌زا اندیشیده نشده است.

زندگی در شایعه و وحشت: خاطرات جمعی

کسانی که در اولین ساعات و روزهای پس از زلزله به منطقه رفته بودند از سکوتی مرگبار حرف می‌زنند، از مردمانی که وحشت‌زده به خیابان‌ها رفته بودند و به امید پیدا کردن چادری به جلوی ماشین‌های گذری می‌رفتند.

گرچه پس از چند روز برای بسیاری از مردم چادرهای هلال‌احمر و ستادهای مردمی رسید، اما درون افراد هم مثل درون خانه‌ها به شدت آسیب دیده است. این صدمه اساساً ناشی از شایعه‌ای بود که توسط شخصی شیاد تولید می‌شد. وئیس‌هایی بین مردم چرخیده بود که پیشگویی‌هایی در مورد تاریخ‌های احتمالی زلزله ارائه می‌داد. زلزله‌ی ۸ بهمن نیز با یکی از این پیشگویی‌ها جور درآمده بود. به نظر می‌رسد که نگرانی‌ها نه فقط از نیازهای امروز، بلکه از وقایع دهشتناک آینده است، «دزدی جو ما گونی یئر بیزی ییه جک؟»، درسته که میگن این جمعه (۱۴ بهمن) زمین ما رو میخوره؟

داستان‌های پیش‌بینی زلزله بین مردم شیوع پیدا کرده است. در یکی از محله‌های حاشیه‌نشین شهر خوی، پسرک‌ها با چشمان قلمبه‌شده در حیرت‌اند و از من می‌خواهند که بگویم آیا واقعاً این اخبار درست هستند یا نه. هوا دارد سردتر می‌شود. پناه بردیم به گرمای آتشی که پیرمرد و نوه‌اش کنار خیابان درست کرده‌اند. پیرمرد سیگار را چسباند به هیزم و روشنش کرد، «حامام گئدنده ائلبیر گیریم قبریمه»، وقتی میخوام برم حمام فکر می‌کنم که دارم وارد قبرم میشم. شدیدتر از ساختمان‌ها، این دل مردم بوده که لرزیده است. چیزی که از بیرون از سیمای خانه‌ها دیده می‌شود، گویای وحشت دنیای درون مردمان زلزله‌زده نیست. رفتیم که گشتی در محله‌های دیگر شهر بزنیم. هوا تاریک شده است. پنجره‌های کمی می‌بینم که نور چراغی از آن‌ها به چشم بخورد. شهر خلوت‌تر از صبحی شده که ما از راه رسیدیم. پیش‌بینی بعدی زلزله برای روزهای ۲۷ و ۲۸ بهمن بود. ۲۸ بهمن

یک زلزله ۳/۵ ریشتری آمد ولی ۲۸ بهمن خبری از زلزله نبود. این شایعات از علت‌های اصلی بازنگشتن مردم به حتی خانه‌های سالم یا با صدمه‌ی جزئی است. در این میان، تاریخ شفاهی زلزله‌ی ویرانگری در حدود صدسال پیش در خوی بر باورپذیری شایعات و افزایش وحشت مردم تأثیر می‌گذارد. برخی از خویی‌ها از وجود «زلزله دامی» (خانه‌ی مخصوص زلزله) در خانه‌ها می‌گویند، پناهگاهی کوچک در پشت خانه‌ها که از مصالح سبک ساخته شده‌اند.

با وجود اینکه زندگی روزمره و شب‌مره به نظر آرام می‌رسد، اما تلاطمی روانی همه را در بر گرفته است. این ترس بر گروه‌های مختلف اجتماعی مثل کودکان و زنان و مردان اثرات عمیقی گذاشته است. برخی از کودکان دچار شوک‌هایی شدند که به لکنت یا شب‌اداری یا تکانه‌های عصبی انجامیده است. یکی از مردها در روستای «وار» به من گفت که بچه‌هایشان با شنیدن کمترین صدا یا پس‌لرزه‌ی ضعیفی جیغ می‌کشند.

تداوم این وضعیت، در صورتی که پس‌لرزه‌ها همچنان ادامه داشته باشند، آسیب‌های روانی را مزمز خواهد ساخت. برخی دچار اختلال استرس پس از سانحه، هرچند در سطوح، شده‌اند. اختلالی که با هر پس‌لرزه یا شنیدن شایعه‌ای عمیق‌تر می‌شود.

بی‌اعتمادی

علی‌رغم حضور مسئولین کشوری در مناطق زلزله‌زده، همچنین فعالیت ارگان‌های امدادی و نظامی، بی‌اعتمادی در سطوح مختلف خود را عیان کرده است. بی‌اعتمادی به دولت گاه به حدی است که حتی بین خدمت‌رسانان بخش‌های دولتی و دولت فاصله‌گذاری محسوسی توسط اهالی صورت می‌گیرد؛ حتی اگر اداره برق به چادرها برق‌کشی هم می‌کند، مردم آن را از چشم دولت نمی‌بینند. سطح انتظار از دولت،

در شرایطی که مدام به خاطر زلزله و زلزله‌زدگان و بازنمایی فعالانه از حضور دولت در آن زلزله ارجاع می‌شود و با شرایط فعلی مقایسه می‌گردد، بالاست. دولت نیازمند ارائه تصویری فعال‌تر از خود در میانه بحران است، آن‌هم درحالی که سطح خدمات و امدادسانی‌های دولتی کم نیست. بی‌اعتمادی اما تنها به اینجا ختم نمی‌شود. در روزهایی که بیش از هر زمان دیگر به همکاری و همبستگی میان خود زلزله‌زدگان نیاز است، بی‌اعتمادی فزاینده‌ای بین دسته‌ای از زلزله‌زدگان هم ظهور کرده است. این سنخ از بی‌اعتمادی شاید بیش از هر چیزی برخاسته از نوع توزیع خدمات در مناطق زلزله‌زده است. مردم به یکدیگر به چشم رقیب در دریافت کمک‌ها و محموله‌های امدادی نگاه می‌کنند؛ این شکل از بی‌اعتمادی، مهلک است.

همبستگی: قومی و اجتماعی

با وجود اینکه برخی به ابرازهای عاطفی صرف و منفعلانه‌ای همچون «خوی باشین ساغ اولسین» در اینستاگرام بسنده کردند، دیگران بسیاری عملاً دست به کار شدند تا شعار «خوی آرخانداییخ»، خوی پشت و پناهِ هستیم، را به واقعیت بدل سازند. در این پنج روزی که از زلزله گذشته، همه شاهد آن هستند که عامه مردم، گروه‌های مختلف هنری، فعالین اجتماعی، خیرین، مهندسين، و حتی هواداران تراکتور به خوی آمده‌اند تا رنجی را بکاهند. هر کدام از تجربه‌ها و از امکانات و ظرفیت‌هایشان استفاده می‌کنند تا دردی را دوا کنند.

از همان روزهای اول زلزله، چندین ستاد مردمی به‌طور خودجوش شکل گرفت. یکی از این ستادها را داوطلبانی با دغدغه‌ی غالب فرهنگ و زبان ترکی تشکیل می‌دادند و دیگری را کسانی که بیشتر دغدغه‌های اجتماعی داشتند. با یک تقسیم‌کار، ستاد اول بیشتر بر روستاها و ستاد دوم بیشتر بر محله‌های تهیدست شهری متمرکز شدند. گروه اول متأثر از درخواست برخی

چهره‌های هنری و ادبی مشهوری که پیچ‌های اینستاگرام با دنبال‌کنندگان زیادی داشتند به‌طور گسترده‌ای حول این ستاد گرد هم آمدند. بسیاری از افرادی که به این ستاد پیوستند مردمانی بودند که پیش از این تجربه‌ی چندانی در بحران‌ها نداشتند. با وجود این برخی از هدایتگران این ستاد در زلزله‌ی ورزقان حضور داشتند و از تجربه‌ی آن استفاده می‌کردند.

از سوی دیگر، تعداد بسیار محدودی از افراد هم حول ستاد دوم گرد هم آمده بودند. دو سه نفر از هدایتگران این ستاد، تجربه‌ی قبلی در بحران‌ها و نیز در حوزه‌ی به اصطلاح آسیب‌های اجتماعی در خوی داشتند، به‌طور خاص در مورد کودکان و زنان محله‌های تهیدست. ستاد اول با اعضای داوطلب بزرگی که تعدادشان به ده‌ها نفر می‌رسید، توانست در مقیاسی بسیار عظیم کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردمی را در یک انبار متمرکز جلب کند و دپویی بزرگ برای مصرف غذایی چند ماه آینده شکل داد. اقلام گردآمده تنوع زیادی داشت، از خوراک تا پوشاک و تا کانکس. ستاد دوم که مقیاسی کوچک داشت و اعضای فعال آن به بیش از ده نفر نمی‌رسید، فعالیت خود را در فاز اول بر جمع‌آوری چادر و بخاری برقی از طریق کمک‌های مردمی کرد. ایده‌ی کمپ توسط همین ستاد در یکی از محله‌های حاشیه‌نشین شهر خوی با برپا کردن صد چادر اجرا شد و سپس به سه کمپ رسید. این ستاد فاز دوم را بر شناسایی خانواده‌های محروم و ارائه خدمات ویژه به آنها اختصاص داد. سپس، ستاد اول یک کمپ مخصوص زنان باردار ایجاد کرد، و هلال احمر هم با همراهی نیروهای مختلف از جمله بسیج و سپاه در چندین مدرسه و سالن و پارک کمپ‌هایی برپا کرد.

مثل مشهور «اتل گوجی سئل گوجی» به‌وضوح در زلزله‌ی خوی تجسم یافته است: «قدرت ایل مثل قدرت سیل است.» از صبح که در یکی از ستادهای مردمی در خوی هستم، گروه گروه مردم از نقاط مختلف آذربایجان اقلام می‌آورند. نیسان‌ها و خاورها مواد غذایی و پوشاک و

هیتر خالی می‌کنند. بعلاوه، افراد دیگری به تنهایی آمده‌اند تا نیروی میدانی ستاد باشند، در رسیدگی به وضعیت محله‌های مختلف شهر و روستاها. مردمان آذربایجان نمی‌توانند تحمل کنند که هم‌وطنانشان در عذاب باشند. این شکل مهمی از مفهوم «غیرت» در آذربایجان است که در سطح جمعی عمل می‌کند. در ۱۲ بهمن ۱۴۰۱، در بازی بین تراکتور و فولاد شعار «خوی باشین ساغ اولسین، آذربایجان وار اولسین»، سرت سلامت خوی، زنده‌باد آذربایجان، سر داده شد. این شکل از غیرت، در این مورد، سوگیری جنسیتی ندارد.

ستادهای بومی به خاطر اینکه افراد محلی در تیم راهبری‌شان حضور داشتند با شناخت بسیار دقیقی شروع به امدادرسانی کرده بودند. حالا به تدریج با گذشت حدود بیست روز از زلزله که اسکان اضطراری به پایان رسیده و نیازهای ضروری رفع گردیده، برخی اعلام کرده‌اند که دیگر نیازی به ارسال اقلام و کمک نقدی نیست و دارد کانکس‌های تهیه‌شده را در میان خانواده‌های روستایی با وضعیت خاص (مثل بیماری‌های سخت) توزیع می‌کند.

نکته مهم و قابل‌رؤیت در این میان آن است که برخلاف بحران‌های پیشین در آذربایجان، در زلزله خوی گروه‌های فعال قومی از آزادی نسبی، لااقل به اعتراف خودشان، برای امدادرسانی برخوردارند و در برخی موارد شاهد همکاری این گروه‌ها با دیگر مجموعه‌های امدادگران هستیم، هرچند هنوز خصیصه تمایزطلبی خود را حفظ کرده‌اند.

موکب‌ها، یادگار اربعین

الگوی موکب‌داری به‌عنوان سنخی از سازمان‌یابی اجتماعی خدمت‌رسان، حالا دیگر در کشور تکثیر شده است. در زلزله سرپل ذهاب شاهد اولین بارقه‌های حضور موکب‌ها به‌عنوان بخشی از نیروهای امدادگران بودیم. در زلزله خوی نیز موکب‌ها در روزهای پس از زلزله، در منطقه حاضر

شدند. موکب‌های اربعینی علی‌رغم آمارهای رسمی مبنی بر تعداد بالای ۲۵ موکب، در میان بسیاری از زلزله‌زدگان هنوز ناشناخته‌اند و در دسته‌بندی‌های عرفی و عمومی شده‌ی گروه‌های امدادی، اشاره‌ای به موکب نمی‌شود. با این حال تمرکز این موکب‌ها بر پخت و توزیع غذا بخشی از چرخه‌ی امدادی را تکمیل کرده‌است. حضور افراد داوطلب از دیگر شهرها در قالب این موکب‌ها و سامان‌یابی آن‌ها نیز از دیگر ویژگی‌های موکب‌ها است. تخصصی شدن موکب‌ها و ارائه‌ی خدمات اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند سطح عملکردی آن‌ها را بهبود و ارتقا بخشد.

حاشیه‌ها، نه شهر و نه روستا

زلزله خوی به یک‌باره رخ نداد؛ زلزله طی چند هفته خوی را لرزاند و همین به دسته‌ای مردم این امکان را داد تا پیش از سررسیدن لحظه‌ی فاجعه، خوی را ترک کنند. پس از زمین‌لرزه بزرگ نیز هرکسی که می‌توانست از منطقه زلزله‌زده رفت، هر خانواده‌ای که قوم و خویشی در تبریز و اورمیه و تهران و اهواز و کرج و...، به قول اهالی جمع کرد و رفت؛ و آن‌ها که باقی ماندند، عمدتاً طبقه‌ی ضعیف‌تر بودند. همین باعث شده تا مسائل اجتماعی و فرهنگی، سوبه‌ای خاص طبقات محروم به خود گیرد. واقعیت آن است که زلزله، نه فقط گسل‌های زمین‌شناختی، که گسل‌های فرهنگی و اجتماعی را فعال‌تر و عمیق‌تر ساخته است. در یک نگاه کلی مناطق زلزله‌زده به سه بخش شهری، روستایی و حاشیه‌نشین‌ها تقسیم می‌شود. تمرکز اصلی نهادهای امداد‌رسان در روزهای اول بر مناطق روستایی، به دلیل حجم بالاتر خرابی‌ها، بوده، مناطق شهری هم از امکانات شهری به‌صورت نسبی برخوردار هستند، اما مناطق حاشیه‌نشین عملاً در نقطه‌ی کور امداد‌رسانی، حداقل در روزهای آغازین بحران، قرار داشتند. آن‌ها نه روستا بودند و نه شهر و بافتار فرهنگی خاص و میانه‌ی آن‌ها، حاشیه‌نشینان را در وضعیت رهاشدگی قرار داده بود.

هجوم خیرین و تنش در محله‌های تهیدست

یکی از سلبریتی‌های ترک استوری گذاشته است، «آقا من چند سایپا اینجا جماعت محبت دارند اعتماد کرده‌اند تا من وسایلشان را ببرم پخش کنم. می‌گویند در ورودی خوی، نمی‌دانم شورا، فرمانداری، اورگان، مورگان هست دارند جلوی ماشین‌ها را می‌گیرند. آقا اگر بیایم کسی جلوی من را بگیرد رسانه‌ای می‌کنم. من وسایل را آورده‌ام و خودم پخش می‌کنم. به کسی هم ربطی ندارد. می‌برم در اطراف شهر پخش کنم.»



داشتم در کمپ پرسه می‌زدم که صدای همه‌همه‌ای از دور حواسم را پرت کرد. ماشین خاور از خیابان اصلی پیچید توی یکی از کوچه‌ها و ایستاد. جمعیت عظیمی پشت ماشین جمع شد. ازدحام هر دم بیشتر می‌شود. چند مرد از تریلی کله کشیده‌اند بیرون، «بروید به چادرهایتان». هیچ‌کس نرفت. حالا از دور نایلون‌های بزرگ لباس را می‌بینم که توسط آدم‌هایی که توی تریلی هستند فرفره می‌شوند به هوا تا به کدام دستی برسد. بسته‌های قند را کشیدند بیرون. دست‌های نیاز بر فراز جمعیت بلند شده‌اند. تا قسمت کدام دست بشود. قند را پرتاب کرد. نایلون قند در گیر و دار و جنگ دست‌ها پاره شد و ریخت

روی زمین. نایلون مردی که بسته قند سالمی را نصیب خودش کرده بود، وقتی داشت خودش را از میانه جمعیت خلاص می کرد پاره شد و قندها زیر پاها له شدند. من و پیرمردی پشت خوابانده‌ایم به دیوار کوچه و این صحنه جدال را تماشا می‌کنیم، «اینجا وحشی‌خانه است». مخالفت کردم، «چرا این خاور با این همه وسایل آمده به این محله با این همه جمعیت»، جواب داد، «نه. اون چه گناهی داره. تقصیر مردمه». گفتم، «یک وقت دیگری بیاید. شب بیاید. با ماشین کوچکی بیاید. به چادرها بدهد.» مردی که به‌تازگی از زنش جدا شده، من را کشاند به چادرش، «ببین، من حتی یک پتو هم ندارم. اما هیچ‌وقت نمی‌روم آنجا خودم را خوار و خفیف کنم.» چادر خالی است، فقط یک بسته نان و یک بخاری برقی کوچک. جدال آن بیرون همچنان ادامه دارد. حالا دارند پتوها را پرتاب می‌کنند. من در میان جمع دیگری از مردان که دورتر ایستاده‌اند بحث می‌کنیم. «ما بی‌فرهنگ هستیم.» باز هم من مخالفت کردم. صبر مردم لبریز شده است. چند مرد جوان و یک پیرمرد دارند از تریلی بالا می‌روند. خودشان را آویزان کرده‌اند به ماشین. نوبت رسیده به نایلون‌های کوچک برنج و روغن‌های مایع. مردم کنار من ناراحت هستند، «چرا این‌طوری می‌کنند، مثل حیوان». زلزله همه را به یکسان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. طبقات مرفه خوی آن‌قدر توان مالی دارند که بتوانند شهر را برای مدتی طولانی ترک کنند. برایشان اهمیتی ندارد که خانه و اسبابشان به کلی از بین برود. طبقات متوسط کارمند هم نگران تعطیلی اداره‌هایشان نیستند چون حقوقشان سر ماه واریز خواهد شد. روستاییان هم حیوان و زمینی دارند که بتوانند مدتی بخورند و نمیرند. اما طبقات پایین و طبقات زیرپایین شهرنشین وابسته‌اند به کاریدی و روزمزد. اعضای این طبقه همان‌هایی هستند که نتوانسته‌اند از شهر بروند. نه توان مالی برای رفتن به جای دیگر دارند و نه اگر خیرین پیشنهاد اسکان در شهرهای دیگر را بهشان داده‌اند دل آن

را که از دارایی‌هایی خُردشان دل بکنند. به من می‌گفتند که «زددها و معتاده‌ها می‌ریزند توی خانه‌های خالی.» تعطیلی شهر اصلی‌ترین صدمه را به مشاغل کارگری زده است و مردمان این محله بیشتر از سایر طبقات ضرر می‌بینند. برای همین، بیشتر از سایر زلزله‌زده‌ها نیازمندتر می‌شوند. دست‌های نیازمند بلندشده بر پشت خاور و نزاع برای یک بسته قند یا یک پتو در این وضعیت طبقاتی قابل فهم است. مردمان تهیدست بیش از سایرین نگران هستند، نگران روزهای بعد که اگر وضع به همین منوال پیش برود، پس‌لرزه‌ها باز هم بیایند، خانه‌ها تعمیر یا بازسازی نشوند، و تعطیلی همچنان ادامه داشته باشد، چگونه معیشتشان را تأمین خواهند کرد. تنها راه باقیمانده، شتافتن به سوی هر ماشین بزرگی است که وارد محله می‌شود. این وضعیت اضطراری است که مردم را به جان هم می‌اندازد. برخی از خیریه‌ها و افرادی که می‌خواهند کمک کنند بدون فهم طبقاتی سیل می‌شوند به طرف محله‌ها. در سیل نیازها و اضطرارها، شمار اندکی می‌توانند صبوری پیشه کنند. خیرین انتظار دارند که مضطرب‌ترین مردمان صبورترین باشند. برخی‌شان حتی با شنیدن اندازهای دلسوزانه‌ای از این دست که در هماهنگی با ستادهای مردمی مستقر در شهر خوی و معتمدین محلی اقدام کنند، گوششان بدهکار نیست.

کمپ‌های مستعد تنش

جامعه‌ جدیدی که در کمپ و در چادرنشینی در زمین‌های خاکی شکل گرفته، غرق در شوک است. جامعه‌ای که در آن درآمد روزانه بخور نمیر هم قطع شده، لرزه‌های سرمای شب و روز را می‌چشد، بدن‌های پیچیده در گرد و خاک، خانواده‌های پرجمعیت چپیده در فضای کوچک و خفه‌کننده چادرها، خاطره‌خانه‌ای که صدمه‌ای اساسی دیده، جامعه‌ای است عصبی، بی‌قرار، و نومید؛ جامعه‌ای مستعد تلاطم و آشفتگی. کوچک‌ترین جرقه‌ای می‌تواند به دعوایی بزرگ تبدیل شود. و شد.

این بار هیاهوی یک درگیری از میان چادرهای کمپ من را از آن سوی محله به طرف خودش کشاند. زن جوانی که چادرش را به کمرش سفت بسته بود هوار می کشید، «ایاغین قویوب اوشاغین باشینا»، پایش را گذاشته روی سر بچه‌ام. مردم از یک طرف جلو دار زن و شوهری جوان شده بودند و از طرف دیگر دست‌های پیرمرد را گرفته بودند. از وسط چادرهای چسبیده به همی گذشتم که بعداً فهمیدم دعوا دقیقاً بر سر همین بوده است. رفتم به میان‌داری. فوران بی‌مهابای خشم از بازوهای من و مردان دیگر بسی بیشتر بود. کمپ به هم ریخت. پسر پیرمرد که تازه متوجه شده بود، یورش برد به طرف زن و شوهر جوان. مردم نگذاشتند. با هر فحشی، خون هر دو طرف به جوش می آمد. پیرمرد مشت محکمی به جناغ پسرش کوبید و هلش داد که خودش را قاطی معرکه نکند، «من چه کار کنم. همه چادرها به هم چسبیده‌اند.» مردم تنش را آرام کردند و پراکنده شدند در چادرها تا ببینند چگونه می‌توانند یک شب دیگر را صبح کنند.

خانواده، بحران و جداافتادگی

از هم گسیختگی نظم خانوادگی پس از بحران زلزله مشهود است. جز آن که روند طبیعی زندگی مختل شده است، بسیاری از خانواده‌ها از هم جدا افتاده‌اند. برخی از مردم به شهرهای دیگر و نزد فامیل و آشنایان رفته‌اند. برخی نیز در کمپ‌ها مستقر شده‌اند. با این حال برای بسیاری از مردم رها کردن خانه و کاشانه راحت و ممکن نیست. می‌شود شب‌ها کنار و داخل خانه‌های آسیب‌دیده و نیمه‌ویران، مردهایی را دید که در خودرو یا چادر یا زیر سقف‌های نیم‌بند مانده‌اند، درحالی که سایر اعضای خانواده داخل کمپ یا شهرهای دیگر هستند. این از هم جدا افتادن اعضای خانواده در صورت تداوم، مشکلات عدیده‌ای را در پی خواهد داشت.

درون چادرها: زنان و فرهنگ شرم

در چند روز از حضورم می‌دیدم که نیروهای فعال در امداد رسانی‌ها، چه مردمی و چه هلال احمر، عمدتاً مرد بودند. با وجود این، زنانی هم بودند که گاه می‌آمدند و آن‌ها بودند که با بچه‌ها و زن‌ها ارتباط عمیق‌تری می‌گرفتند. آیلار یکی از آن‌ها بود. خسته از دو روز مداوم بازی با بچه‌ها، از پشت تلفن با صدای گرفته به من توضیح داد، «با موارد متعددی از پیرودی نامنظم و طولانی مدت روبرو شدم»، و اضافه کرد «عفونت‌ها و فجایع بهداشتی دیگر» را.

پژوهش و نوشتار مردم‌شناختی مثل هر ژانر دیگری از علوم انسانی مستعد سوگیری جنسیتی است. من هم واهمه داشتم که در مورد زلزله‌ی خوی گرفتار این سوگیری شده باشم. دو جا متوجه موضوع شدم. اولی وقتی بود که بحث کوتاهی در یکی از کمپ‌ها بین دو نفر از داوطلبان مرد شد. «زن‌ها از اینکه نوار بهداشتی را از دست مرد بگیرند خجالت می‌کشند.» و دیگری جواب داد، «درسته، باید از این به بعد حداقل بذاریم تو نایلون سیاه». دومی در صحنه‌ی مربوط به ماشین‌خواری بود که برای پخش خوراک و لوازم وارد محله‌ای تهیدست شد. مردم هجوم برده بودند. یکی از مردها که موفق شده بود یک بطری روغن بگیرد، چانه‌اش را به طرف ازدحام جمعیت در پشت خاور نشانه رفت، «چرا اون زن‌ها آمده‌اند به میان مردها؟» رفت. ولی زود برگشت. یک‌بار دیگر هم حرفش را تکرار کرد.

زنان به‌عنوان یک گروه اجتماعی زلزله را متفاوت از مردان تجربه می‌کند. ریشتر هر نوع تبعیضی در وضعیت‌های عادی علیه یک گروه اجتماعی مثل زنان، در وضعیت‌های غیرعادی مثل زلزله بیشتر می‌شود. شکافی که پیکره‌ی جامعه را به‌طور تبعیض‌آمیزی به دو نیم کرده، در بحران‌ها عمیق‌تر می‌شود. در چند روز حضورم در محله‌ها و روستاها، دختران جوان کمی را دیدم که در بیرون از چادر باشند،

پرسه‌ای بزنند، هوایی عوض بکنند، و امکان بیشتری پیدا کنند تا صدای بیشتری داشته باشند. آن‌ها مجبورند ساعات زیادی را در چادرها سر کنند که تحملش برای ما مردها دشوار است، کوچک، تنگ، خفه. توزیع نابرابری اجتماعی در مسئولیت پختن غذا و مراقبت از کودکان و شوهران، در این وضعیت ترس از پس‌لرزه‌ها، کمپ‌های پر از تنش، چادرهای تنگ، و امکانات محدود، بار بیشتری بر زنان تحمیل کرده است. در این موقعیت، زنانی با همسران غایب یا فرزندان مریض وضعیت وخیم‌تری یافته بودند.

بدن‌های زنانه هم زلزله را متفاوت از بدن‌های مردانه تجربه می‌کند. زنان باردار که خودشان و جنین نیاز به مراقبت بیشتری دارند، در وضعیت آسیب‌پذیری بالایی قرار گرفته بودند. خوشبختانه یکی از ستادهای مردمی اخیراً کمپ مختص زنان باردار را راه‌اندازی کرد. همچنین، زنان که معمولاً در دوران پریودی با نوسانات خلق و خو مواجه می‌شوند، حالا در وضعیت پرسترس ناشی از وحشت زلزله و فشارهای زندگی در چادرها و کمپ‌ها، با دسترسی نامطمئن به نوار بهداشتی، ترس از رفتن به دستشویی، و محیط غیربهداشتی مستعد انواع عفونت‌ها مواجه‌اند. بر بالای سر این‌ها، شرم فرهنگی مرتبط با پریودی وضعیت را بدتر هم می‌کند.

امدادرسانی‌ها در اغلب موارد نسبت به مسائل جنسیتی کور بودند. حساسیت به زنان و بدن‌های زنانه در این امدادها کمتر موردتوجه قرار گرفت. اگر ترک شهر به این حد وسیع رخ نمی‌داد، زنان خوبی فعال در برخی از ان‌جی‌او‌ها می‌توانستند بافت فرهنگ محلی مرتبط با زنان و مسائل اجتماعی آن‌ها را به ستادها و داوطلبان مردمی و هلال‌احمر که بسیاری غیربومی بودند منتقل کنند تا در محله‌های شهری و روستاها و نیز در میان ترک‌ها و کردها با آگاهی فرهنگ بومی عمل کنند.

به جای دولت: امدادسانی

مردم نقش دولت در حل بحران را در مورد دو زلزله اخیر در آذربایجان مقایسه می‌کنند. حافظه جمعی آذربایجان خاطره حضوری فعال و دارای نمود از دولت دهم در زلزله ورزقان دارد. در مقابل، تصویر عمومی آن است که دولت سیزدهم ناتوان از چنین حضوری است. نماینده‌ی خوی و مسئولین استانی چندان که باید نتوانسته بودند با مردم زلزله‌زده ارتباط مستمری داشته و اعتماد آن‌ها را به خود جلب کنند. از بسیاری شنیدم که می‌گفتند «میلت اولماسیدی بیز اولردیخ»، اگر مردم نبودند ما مرده بودیم. گروه‌های مردمی نیز در بسیاری از موارد خود را جای دولت نشانده‌اند و در تلاش‌اند تا همه مراحل امدادسانی را راسا انجام دهند. در ادامه و با ورود به مرحله بازسازی، نیاز جدی‌تری به نقش تنظیم‌گری دولت احساس خواهد شد. دولت باید با سیاست‌گذاری ارتباطی هوشمندانه، انگاره بی‌دولتی را تعدیل کند. این که در زلزله خوی برخلاف زلزله‌های گذشته، گروه‌ها و فعالان مدنی و اجتماعی، دیگر حتی آن‌چنان که باید از دولت مطالبه هم نمی‌کنند، در لایه عمیق‌تر نشان از تقویت همان انگاره فقد دولت دارد، حال آنکه نهادهای دولتی بنا بر گزارش‌های رسمی، کماکان در بحران زلزله فعال‌اند، اما انگاره‌های ذهنی چیز دیگری می‌گوید. از سویی دیگر مدیریت بحران به خاطر نبودن یک هماهنگ‌کننده و ناظر واحد دچار نقص است. کمک‌ها گرچه بسیارند اما توزیع آن‌ها به شکل مطلوبی انجام نمی‌شود. با وجود آنکه چندین ستاد با نظم تشکیلاتی معینی کار می‌کنند، اما در سطح کلی، آشفتگی و بهم‌ریختگی بالایی در حضور نیروهای امدادی و کمک‌های ارسالی وجود دارد. مدیریت واحد می‌توانست جلوی کمک‌های بی‌مورد و به‌ویژه هجوم صدمه‌زننده خیرین به فرهنگ مردم را بگیرد. همچنین ضعف سیاست‌گذاری رسانه‌ای و ارتباطی مناسب شرایط بحران، بر

ذهنیت عمومی مردم تأثیر گذاشته است و مردم منتظرند تا ببینند دولت در جبران خسارات و بازسازی چگونه عمل خواهد کرد. طبق اعلام بنیاد مسکن پس از انجام ارزیابی از ۲۱۵۰۰ واحد، حدود دو هزار واحد نیاز به تخریب و احداث کامل و یازده هزار واحد نیاز به تعمیرات اساسی دارد. همچنین ۱۰/۴۶۳ واحد دامی سنتی و صنعتی و ۳۲ واحد مرغداری، و چندین منبع تأمین و انتقال آب دچار آسیب شده‌اند. بنیاد مسکن اختصاص وام‌هایی را برای خانه‌های نیازمند تعمیر و تخریب اعلام کرده است. اما یک مشکل اساسی در این میان وجود داد: نظر کارشناس ارزیابی با صاحب‌خانه در موارد بسیاری در تضاد است. و این ادامه فاصله‌یابی شناختی مردم از دولت است.

بسیج، حاضر در صحنه

نیروهای بسیجی یا به تعبیر مردم ماشین‌های پلاک سبز در میان زلزله‌زدگان در رفت و آمدند. یکی می‌گفت آمدند و بدون سروصدا سیستم آب چادرها را وصل کردند و رفتند. نیروهای سپاه و بسیج که مردم کمتر تفکیکی میان آن‌ها قائل‌اند، از آواربرداری تا تأمین زیرساخت‌های زندگی در شرایط اضطراری و اقدامات درمانی درگیر و مشغول فعالیت هستند. برخلاف بازنمایی کژدار در رسانه‌ها، اینجا کار مهم است و بسیجی‌ها هم مشغول فعالیت. مردم از حضور نیروهای بسیجی خوشنودند، اما هنوز وجهی از رسمیت حاکمیتی را برای آن‌ها قائل‌اند، و سرریز نارضایتی‌های عمومی از وضعیت رسیدگی به زلزله‌زدگان، متوجه نیروهای بسیجی نیز می‌شود. با این حال بسیج و سپاه به مانند هر بحران طبیعی دیگر، بخش مهمی از چرخه‌ی امداد و نجات است.

امداد فرهنگی، لازم و مهم

امداد فرهنگی را شاید بتوان عنوانی برای مجموعه‌ی اقدامات فرهنگی

و هنری در شرایط بحران قرار داد. از حضور گروه‌های هنری گرفته تا اجرای جُنگ‌های فرهنگی، برگزاری مسابقه نقاشی، طناب‌کشی، بردن کودکان به زمین بازی، پخش فیلم و کارتون و ...، همه و همه اقدامات لازم فرهنگی فوری در شرایط بحران با تکیه و توجه ویژه به کودکان و نوجوانان هستند. هرچند همه‌ی این اقدامات در قالب گروه‌های مردمی و رسمی، و با حمایت نهادهای مستقر، صورت می‌پذیرد، اما فقدان انسجام و برنامه‌ریزی بلندمدت برای تکسین فرهنگی منطقه مشهود است. فراموش نکنیم گروه‌های مختلف اجتماعی به خاطر تداوم وضعیت اضطراری و زندگی چادرنشینی، زیر بار روانی سنگینی قرار دارند. کودکان آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند. تا به حال چندین گروه هنری شامل گروه‌های نقاشی و سینما و نمایش به میان مردمان زلزله‌زده رفته‌اند. آن‌ها بر خلق لحظات خوش برای کودکان تمرکز کرده‌اند. با وجود این، زنان و مردان بزرگسال نیز نیاز به تقویت روانی دارند. حضور تیم‌های خبره‌ی روانشناس و مددکار اجتماعی می‌تواند مؤثر باشد.



مردم‌نگاری سریع امکانی برای ارائه تصویری واقعی، سریع و علمی از دريچه فرهنگ و ارتباطات است تا از این رهگذر بتوان به دورنمایی از راهبردها و سیاست‌های قابل اتخاذ در مواجهه با ابعاد فرهنگی و اجتماعی بحران رسید و پیوندگاهی میان مشاهدات مردم نگارانه پسابحران و نهادهای سیاست‌گذار و حکمران حوزه فرهنگ ایجاد نمود و حلقه مفقوده مشاهدات علمی سریع از وضعیت‌های بحران را در چرخه سیاستی کشور بازیافت. گزارش پیش‌روی مروری بر وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی شهرستان خوی پیش از وقوع زلزله و گزارشی مردم‌نگارانه از وضعیت فرهنگی پسابحران است.

وبسایت مرکز رصد فرهنگی کشور

www.ircud.ir